

۲۰۵۱۲۶

فصل اول
فصل دوم
فصل سوم
فصل چهارم
فصل پنجم
فصل ششم
فصل هفتم
فصل هشتم
فصل نهم
فصل دهم
فصل یازدهم
فصل دوازدهم
فصل سیزدهم
فصل چهاردهم
فصل پانزدهم
فصل شانزدهم
فصل هجدهم
فصل نوزدهم
فصل بیستم

فصل بیست و یکم
فصل بیست و دوم
فصل بیست و سوم
فصل بیست و چهارم
فصل بیست و پنجم
فصل بیست و ششم
فصل بیست و هفتم
فصل بیست و هشتم
فصل بیست و نهم
فصل بیست و دهم
فصل بیست و یازدهم
فصل بیست و دوازدهم
فصل بیست و سیزدهم
فصل بیست و چهاردهم
فصل بیست و پانزدهم
فصل بیست و شانزدهم
فصل بیست و هجدهم
فصل بیست و نوزدهم
فصل بیست و بیستم

فصل بیست و یکم
فصل بیست و دوم
فصل بیست و سوم
فصل بیست و چهارم
فصل بیست و پنجم
فصل بیست و ششم
فصل بیست و هفتم
فصل بیست و هشتم
فصل بیست و نهم
فصل بیست و دهم
فصل بیست و یازدهم
فصل بیست و دوازدهم
فصل بیست و سیزدهم
فصل بیست و چهاردهم
فصل بیست و پانزدهم
فصل بیست و شانزدهم
فصل بیست و هجدهم
فصل بیست و نوزدهم
فصل بیست و بیستم

www.ketab.ir

عکاسی به روایت تبریز

شیوه نوین جمع‌آوری، دسته‌بندی و بایگانی عکس

تالیف: بهزاد صحتی

سرشناسه:	صحتی، بهزاد، ۱۳۵۵
عنوان:	عکاسی به روایت تبریز (شیوه نوین جمع‌آوری، دسته‌بندی و بایگانی عکس)
مشخصات نشر:	تهران، دانشگاه معماری و هنر پارس، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۳۱۸ ص: مصور، جدول
فروست:	انتشارات دانشگاه معماری و هنر پارس، ۱۴۱۴
شابک:	978-600-96989-3-6
یادداشت:	کتابنامه: ۳۰۹ ص.
عنوان دیگر:	شیوه نوین جمع‌آوری، دسته‌بندی و بایگانی عکس.
موضوع:	عکس‌ها - ایران - تبریز - مجموعه‌ها
موضوع:	
موضوع:	تبریز - مصور
موضوع:	
رده‌بندی کنگره:	۳ص ۴۹۵ب / ۷۹ DSR۲۰
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۳۲۲۲۰۲۲۳
شماره کتابشناسی ملی:	۴۶۷۴۶۷۳

این کتاب مشمول حمایت از حقوق مولفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود.

عنوان: عکاسی به روایت تبریز؛ شیوه نوین جمع‌آوری، دسته‌بندی و بایگانی عکس
مؤلف و ویراستار: بهزاد صحتی
طرح جلد و صفحه‌آرایی: لعلیا جابیک
ناشر: انتشارات دانشگاه پارس
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۶
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

مسئولیت صحت مطالب کتاب با نویسنده است.
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.
قیمت: ۲۴۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، کارگر شمالی، خیابان دوم، انتصاریه، پلاک ۱۸
تلفن: ۰۶-۸۸۳۳۰۹۰۴ فکس: ۰۳-۸۸۳۳۹۸۰۳
parsuniversity.ir

پخش و توزیع: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان نظری، کوچه قدیری، پلاک ۲۲، واحد ۵

۰۲۱۶۶۹۵۴۱۷۴ - ۰۲۱۶۶۴۹۷۱۱۶

پیشگفتار

۱

فصل اول: کلیاتی پیرامون تبریز

۱۱

جغرافیا

۱۱

تیزاد

۱۲

وجه تسمیه

۱۲

سیاسی و تجاری

۱۳

محلات

۱۵

فصل دوم: عکاسان تبریز

۱۷

درآمد

۱۷

عکاسان

۱۷

ژول ریشار

۱۷

ملک قاسم میرزا

۱۹

لویجی مونتایونه

۲۳

آنتوان خان سوریوگین

۲۶

میرزا ابراهیم خان صنیع السلطنه

۲۷

عبدالله میرزا

۲۹

فتحعلی عکاس

۳۰

ژاک دومرگان

۳۲

حاجی یعقوب میرزا عکاسباشی

۳۳

منوچهر خان عکاسباشی

۳۵

آقایانس

۳۷

اصلان هایراپتیان

۳۹

استپان استپانیان

۴۰

کوستانیانس و تورگومیانس

۴۴

حاجی آقاخان عکاسباشی

۴۵

هوسپیانس

۴۵

فصل سوم: عکاسی و رجال تبریز

۴۸	درآمد
۴۸	دربار
۵۰	روحانیون
۵۸	لشکریان
۶۳	رجال احزاب
۶۹	

فصل چهارم: عکاسی و نجبران تبریز

۷۷	درآمد
۷۷	هنرمندان
۸۰	ادبیات
۸۰	نقاشی
۸۸	موسیقی
۹۰	تئاتر
۹۱	سینما
۹۶	فرش
۹۷	فرهنگیان
۹۹	مدارس
۹۹	دانشگاه
۱۱۲	دانشسرا
۱۱۲	انجمن‌ها
۱۱۳	ناطقان
۱۱۷	مطبوعات
۱۲۰	خدمتگزاران
۱۴۱	بلدیه
۱۴۱	نظمیه
۱۴۴	داروخانه
۱۴۷	بیمارستان
۱۴۸	راه آهن
۱۵۰	مجاهدان
۱۵۳	

فصل پنجم: عکاسی و زنان تبریز

۱۸۵	فصل ششم: عکاسی و مردم تبریز
۱۸۵	درآمد
۱۹۸	نامردمان
۲۰۴	عکس‌های توصیفی

۲۱۷	فصل هفتم: عکاسی از اماکن تبریز
-----	--------------------------------

۲۳۱	فصل هشتم: کیفیات فنی عکس‌های تبریز
۲۳۱	درآمد
۲۳۲	مدت زمان عکس‌برداری
۲۴۱	صحنه‌های عکس و مونتاژ در عکاسی
۲۴۸	ترکیب بندی عکس‌ها
۲۵۴	چاپ عکس از روی شیشه
۲۵۵	رنگ و تغییر رنگ عکس
۲۵۶	ظهور و ثبوت شیشه و عکس
۲۵۷	دوربین‌ها
۲۶۰	عکاسی استرئوسکوپیک
۲۶۱	عکاسی پانوراما
۲۶۱	عکاسی با فلاش
۲۶۲	عکاسی رنگی
۲۶۲	تکنیک‌های عرضه و نمایش عکس
۲۶۶	پیوست ۱ پیکره‌های افزوده
۲۹۱	پیوست ۲ کروئوگرافی
۳۰۸	منابع

گردآوری عکس، گردآوری دنیاست (سوزان سائناک^۱).

هلموت گرنشایم^۲ در کتاب عکاسی خلاق^۳ خود می‌نویسد عکاسی تنها زبانی است که در تمامی نقاط دنیا فهمیده می‌شود و با پلزدن میان ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، خانواده انسان را به یکدیگر پیوند می‌دهد عکاسی، شکل حقیقی زندگی و وقایع مختلف را بازتاب می‌دهد، امکان آن را فراهم می‌سازد تا در بیم و امیدهای دیگران شریک شویم و به شرایط سیاسی و اجتماعی روشنائی می‌بخشد بدین ترتیب ما به شاهدان عینی انسانیت و عدم انسانیت بدل می‌شویم (سک، ۱۳۶۰، ۲۰۶).

در دوران نوجوانی، استادی فرزانه چنین نقل می‌کرد که باید بر هر نسلی تاریخ را خواند تا پیشینه خود را بدانند. ریشه خود را دریابند که هر بار و بر، که بر این باغ نشینند از آن ریشه‌هاست. بدانند که در طول سالیان، چه باغبانان جان فدا کرده‌اند تا این تن که سری در آذربایجان دارد و بر کرانه خلیج فارس آرمیده و ایران نام دارد، به هم پیوسته و به هم وابسته بماند.

اکنون نگارنده با پیشانی نوشت «شیوه نوین جمع‌آوری، دسته‌بندی و بایگانی عکس‌ها»، در کار آن است تا گوشه‌هایی از تاریخ مصور تبریز را بازگشاید.

بررسی‌های تاریخی به ویژه در کشور ما به دلایل متعدد، کار چندان آسانی نیست. تاریخ ایران و اسناد و تصاویر مربوط به آن، هنوز هم به عنوان یک میراث ملی تلقی نمی‌شود و بسیاری از

منتقد و نظریه‌پرداز مشهور عکاسی است.

-۱

-۲

-۳

درها به روی پژوهشگر بسته است. گرچه موسسات و نهادهای نگهدارنده اسناد ملی، همکاری را با پژوهشگران به عمل می‌آورند، لیکن هنوز هم صد برابر آنچه در این موسسات گرد آمده، در پستوی خانه‌ها و نهانگاه خانوادها، پنهان و مکنون باقی مانده است.

عدم دسترسی آسان به عکس‌های آرشیو شده، با وجود اینکه مراکز آرشیو عکس موجود در سطح کشور از نظر کمیت در وضعیت تقریباً مطلوبی قرار دارند، همواره حلاوت آغاز طرح یا تحقیقی را در نهایت به یاس و گاه پشیمانی می‌کشاند گذشته از موانع اداری، عمده ناتوانی در ارائه خدمات از سوی مراکز حفظ عکس، نبود دسته‌بندی و فهرستی دقیق و منضبط از تصاویر موجود در آن مرکز نگهداری است که اکثراً بر پایه عمق حافظه کارشناسانی است که در مراکز یاد شده به خدمت مشغول هستند اگر بخت یار باشد و موضوع نیز از شهرتی نسبی برخوردار باشد، آنگاه شاید امیدوار بود که چند قطعه‌ای عکس در محدودیت‌هایی عجیب که هر مرکز قوانین کاملاً مستقل خود را در این خصوص دارد، به دست آید اما اگر موضوع تازگی داشته و یا موردی باشد که کمتر در چند سال اخیر به لطف برخی محققین به آن پرداخته شده باشد، بدون اغراق دست‌یابی به این عکس‌ها محال است و یا در حالت خوشبینانه، زمان فرسایشی زیادی را می‌طلبد با آگاهی از این موضوع، این پرسش به وجود آمد که چه راهکاری می‌تواند این خلاء را پر کند دسته‌بندی‌هایی که تا کنون صورت گرفته، توسط افرادی انجام پذیرفته است که آنان با مشاهده هر عکسی، یافته‌های آشنا را فهرست‌بندی کرده‌اند این یافته‌های آشنا با تکیه بر قول معمرین و یا دانش افراد فهرست‌کننده است که اکثراً شامل افراد شناسایی شده در درون عکس‌ها به دست می‌آید

متأسفانه میان ایرانیان مرسوم نبوده است که زیر یا پشت عکس‌ها نام شخص و مناظر عمارت‌ها نوشته شود. به این علت بسیاری از عکس‌های قدیمی ناشناخته مانده و طبیعی است هرچه زمان می‌گذرد بازشناسی اشخاص عکس‌ها مشکل‌تر می‌شود. معمرین یکی پس از دیگری از

میان می‌روند و دیگر کسانی نموده‌اند که بتوانند عکس‌های قدیمی شصت یا هفتاد سال پیش به آن سو را معرفی کنند و ما را از نام صاحبان عکس مطلع گردانند (افشار، ۱۳۷۱، ۶). نگارنده تصویری را در موزه کاخ گلستان مشاهده کرده است که ناصرالدین شاه^۱ با دستخط خود آنجا را کرمانشاه یا تبریز نام نهاده است و این موضوع را می‌رساند که احمام در معرفی عکس‌ها سابقه‌ای دیرین در ایران دارد. بنابراین شناسایی اماکن و اشخاص رو به فراموشی بوده و بهتر است هر چه سریعتر راه حل برای این بحران در عکاسی پیدا شود (پیکره ۱).

با دسته‌بندی مشخص‌تر و محدودتر سوژه‌ها، می‌توان دسترسی به این تصاویر را آسان‌تر کرد می‌توان با در کنار هم قراردادن عکس‌ها در دسته‌بندی‌های مشخص، با توجه به زمینه تصویر و



ایران، تبریز

پیکره ۱- منظره‌ای که توسط ناصرالدین شاه، مربوط به کرمانشاه یا تبریز دانسته شده است. عکاس عبدالله میرزا (موزه کاخ گلستان).

۱- چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه است که از ۱۲۲۶ تا ۱۲۷۴ خورشیدی سلطنت کرد در دوران طولانی سلطنت وی اقداماتی از جمله تأسیس دارالفنون صورت گرفت مهم‌ترین اقدام ناصرالدین شاه در عرصه هنر مربوط به عکاسی است وی در رشد و معرفی عکاسی در ایران خدمات ارزنده‌ای انجام داده است.

سایر کدهایی که در هر عکس به بیننده منتقل می‌شود، تصاویری را که شناسایی مکانی نشده‌اند در دسته‌های مربوط جای داد نیز همین مسئله درباره اشخاص صدق می‌کند این دسته‌بندی بنا بر شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در مناطق مختلف نمی‌تواند کلی باشد و مستلزم بررسی عکس‌ها بر حسب اهمیت سوژه و فراوانی آنها در اقلیم‌های مختلف ایران است بر این اساس هر منطقه‌ای از ایران دسته‌بندی مستقل خود را دارد

عکاسی در تبریز از لحاظ مکتوبات به شدت فقیر است و تاکنون اقدامی چشمگیر به طور مستقل در این خصوص انجام نشده است و هرچه هست سخنانی کوتاه و اقتباساتی پراکنده درباره سرآغاز عکاسی در تبریز است که بیشتر با تعصب عجین شده است.

برخوردی که تاکنون درباره عکاسی سایر شهرها نیز صورت می‌گرفت، عکاس محور و از جنبه عکاسان پیشگام آن دیار بوده است به نظر آمد بعد از چندین سال که از این کوشش در اعتلای عکاسی ایران در شهرهایی همچون شیراز، اصفهان، مشهد، اردبیل، قزوین، قم، همدان، اراک، ارومیه و غیره می‌گذرد، راه تحقیق تا حدودی گشایش یافته است؛ اما همچنان دسترسی ساده به عکس‌ها در هاله‌ای از اتمام مانده است گو اینکه از نظر نگارنده، صرف وقت، انرژی و هیجان در این باره که اولین عکاس هر شهری کیست از اهمیت کتری برخوردار است؛ اما صرف دقت و غور در عکس‌های به جا مانده و استنتاجات برگرفته از آن، می‌تواند در عرصه‌های مختلف تحقیقی، کمک شایانی به پژوهشگران بنماید شاید دسته‌بندی و جمع‌آوری عکس‌ها از این گذر، طلیعه‌ای باشد در هر چه بهتر استفاده از مجموعه‌هایی بس غنی که متأسفانه به دلیل عدم آگاهی و معرفی، در گوشه‌ای در حال از بین رفتن هستند مجموعه‌هایی که ممکن است گوشه‌های بسیاری از تاریخ عکاسی ایران را که در ظلمات باقی مانده‌اند، روشن کنند.

بر همین اساس بنا بر بررسی‌هایی که در عکس‌های مختلف موجود انجام شد، دسته‌بندی‌هایی صورت گرفت و به عنوان نمونه شهر تبریز برای این هدف در نظر گرفته شد با طبقه‌بندی عکس‌ها در شاخه‌های مختلف، عکاسی تبریز با رویکردی سوژه محور بررسی شد قصد آن شد تا با بازنگری انبوه عکس‌های پراکنده در بایگانی‌های مختلف، عکس‌ها در پنج شاخه مختلف، در بستری تاریخی بررسی شوند تا بدین ترتیب داستان عکاسی در تبریز از این زاویه بازگفته شود. این پنج شاخه بر پایه فراوانی و اهمیت عکس‌های تبریز و با موضوعات رجال، نخبگان، زنان، مردم و اماکن انتخاب شده‌اند بدون تردید دسته‌بندی انجام شده کاملاً بومی است و در مناطق دیگر ایران، بنا بر اتفاقات خاص سیاسی یا موقعیت‌های جغرافیایی، می‌تواند متفاوت باشد و مدخل‌های دیگری را بنا بر شرایط هر شهر و منطقه‌ای در نظر گرفت؛ اما به نظر می‌رسد که غالب مناطق ایران در همین پنج دسته قرار بگیرند و یا بنا بر موقعیت ویژه جغرافیایی، یک یا چند دسته افزون بر آن داشته باشند. در این کتاب، با تعریفی که برای هر کدام از دسته‌بندی‌های یاد شده ارائه خواهد شد، به انتخاب عکس‌هایی که توان گردآوری آنها فراهم آمد، پرداخته و آنها در دسته‌های خاص خود طبق سیر منطقی تاریخی، قرار داده شدند

عکس‌های این کتاب که اولین گام در جمع‌آوری عکس‌ها از این منظر با انتخاب الگوی تبریز نیز هست، از افراد و منابع مختلف به دست آمده است. این شیوه کار را می‌توان به شکل استخوان‌بندی جمع‌آوری عکس در نظر گرفت و با جمع‌آوری دیگر تصاویر، به خصوص از آلبوم‌های خانگی، در غنای آن کوشید. این عمل چندان دور از دسترس نیست و با صرف کمی وقت می‌توان به راحتی مقدار قابل توجهی عکس از آلبوم‌های خانوادگی به دست آورد؛ در این خصوص جالب است عنوان شود که در

طول مدت پژوهش کتاب حاضر و با توجه به دوری مسافت، حدود هزار قطعه عکس از تبریز جمع‌آوری شد که بخشی از آن در طول فصول کتاب ارائه خواهد شد. از این مقدار تنها نیمی از آنها از مراکز جمع‌آوری دولتی و نیم دیگر آن از آلبوم‌های خانوادگی و مجموعه‌داران تحصیل شده‌اند.

* * *

در فصل اول با مروری کوتاه بر کلیات تبریز، تصویری کلی از این شهر ارائه می‌شود تا علاوه بر آگاهی از موقعیت جغرافیایی و مردم‌شناسی تبریز، این آشنایی پیش درآمدی باشد بر نکات نهفته در عکس‌ها یا دسته‌بندی اقلیمی که ذکر شد. بایسته است که این فصل برای سایر شهرها نیز به کار رود.

در فصل دوم، عکاسان تبریز در محدوده پژوهشی که ذکر خواهد شد، مورد بررسی قرار می‌گیرند

در فصولی جداگانه، با توجه به مطالب عنوان شده در کتب، اسناد، مقالات و با استناد به عکس‌های جمع‌آوری شده، روند عکاسی در تبریز با رویکردهای پنج‌گانه ارائه می‌شود. در این راستا چگونگی قرارگیری عکس‌ها در دسته‌بندی‌ها، نیاز به تعریفی دارد که بر اساس آن، عکس‌های به دست آمده در دسته مربوط به خود قرار گیرند.

در فصل سوم، عکاسی از رجال مطرح می‌شود این گروه شامل عکس‌هایی می‌شوند که در آن مردانی از دربار، مجلس، ارتش، روحانیون، وزارت‌خانه‌ها و بالجملة کسانی که دارای منصبی لشگری و کشوری در تشکیلات دولتی باشند، قرار دارند.

در فصل چهارم عکاسی از نخبگان بررسی می‌شود. هنرمندان، فرهنگیان و اشخاصی که به نوعی در خدمات اجتماعی و در اینجا به عنوان نمونه الگویی در شهر تبریز نقش

داشتند، در این دسته قرار می‌گیرند. این نکته نیز در اینجا ضروری است تا ذکر شود که افراد یاد شده صرفاً از نظر دسته‌بندی مشخص شده و به جهت وجود تصویری از آنان که باری باید تمامی تصاویر را به نحوی از انحاء گردآوری کرد در این قسمت قرار گرفته‌اند و گرایش‌ات سیاسی و عقیدتی آنان ملاک نبوده است.

فصل پنجم به عکاسی از زنان تبریز و فصل ششم به بررسی عکاسی از مردم تبریز اختصاص یافته است. خیل عظیم مردمان عادی از پزشک و معلم تا کارگران ساده، کودکان، بازاریان، مردم کوی و برزن و در مجموع افرادی که دارای منصب لشکری و کشوری نباشند و به نوعی ساختار طبقه متوسط تبریز را بنا نهادند، در این گروه جای می‌گیرند. همان‌ها که با نام رعایا از آنان نام برده می‌شد. نیز در این دسته، عکس‌های تعیین هویت که شامل معرفی عکس‌های پرسنلی به دست آمده در شاخه‌های گوناگون است، تحت عنوان "عکس‌های توصیفی" گردآوری شده‌اند. فصل هفتم به بررسی عکاسی از اماکن تبریز می‌پردازد. کلیه فضاهای شهری همچون دورنماهای شهری، خیابان‌ها و پارک‌ها، نیز بناهای معماری اعم از باستانی و متاخر که صاحب فضایی در یک چارچوب مشخص باشند، در این دسته قرار می‌گیرند.

در فصل آخر با توجه به مشاهده مسائل فنی عکاسی در برخی از عکس‌های تبریز، لازم شد تا درباره کیفیت فنی عکس‌ها نیز مطالبی ارائه گردد. این فصل نیز می‌تواند با کمی تغییرات در تمامی مناطق ایران در دسته‌بندی عکس‌ها گنجانده شود.

* * *

دوربین عکاسی را اندکی پس از اختراع، به شاه ایران هدیه دادند. در این صد سال، ایران یک انقلاب، یک تغییر در خاندان سلطنتی و دو جنگ جهانی را تجربه کرد. سلطنت مطلقه جایش را به سلطنت مشروطه داد و طبقه متوسط پا گرفت (شیخ، ۱۳۸۴، ۴). بر همین اساس چون الگوی پژوهشی موضوع کتاب، "عکاسی در تبریز" است و حضور عکاسی در این شهر بنا بر برخی

روایات سابقه‌ای نزدیک به تولد عکاسی در جهان داشته است (ذکاء، ۱۳۸۴، ۱۸۹). حد ابتدای این کتاب، سال‌های اولیه تولد عکاسی در جهان یعنی دهه ۱۸۴۰ میلادی و ۱۲۲۰ خورشیدی که مقارن با دوران سلطنت محمدشاه قاجار، سومین پادشاه سلسله قاجار و پدر ناصرالدین شاه بود، قرار داده شد در این میان شهر تبریز با توجه به ولیعهدنشینی آن در دوران قاجاریه، از اهمیت سیاسی بالایی برخوردار بود و به تبع این اهمیت، مسائلی را نیز به همراه داشت مسائلی که برای مردم تبریز جز نابسامانی، جنگ و مصیبت چیزی نداشت گویی که ورود عکاسی به این شهر با ورود ناآرامی و اضطراب توأم بود و عکاسی فقط درد را مصور می‌کرد با این ذهنیت، انتهای تاریخی کتاب، رسیدن شهر به نظم و آرامش و اتمام مصایب و درگیری‌ها قرار داده شد بنابراین با نگاهی سبملیک، تأسیس دانشگاه تبریز در ۱۳۲۷ خورشیدی، نقطه پایانی این کتاب لحاظ شد باشد که در آینده‌ای نزدیک، به بررسی عکاسی تبریز پس از این نیز پرداخته شود. محدوده مکانی نیز محدود به شهر تبریز انتخاب شد. این موضوع از آنجا حائز اهمیت می‌شود که در فصل چهارم که به عکس‌های نخبگان تبریز اختصاص دارد، بخش عظیمی از تبریزیان که در این فصل نیستند، به علت نادیده‌نگاشتن آنان نیست؛ بلکه دلیل آن صغر سن و یا مهاجرت ایشان پیش از دوران نخبگی از شهر تبریز بوده است و یا اینکه تصاویر تبریزیان اشهر، در تبریز عکاسی نشده است.

به طور حتم بر اساس چند نمونه عکس نمی‌توان نتایج کلی گرفت بنابراین دسته‌بندی عکس‌ها در فصول مختلف انجام شده است تا راحت‌تر بشود مجموعه‌های مختلف را جمع‌آوری نمود در واقع هر فصلی به مثابه یک آلبوم است و در انتها این نتیجه حاصل می‌آید که با روشی منضبط و دسته‌بندی شده که صرفاً بر پایه سوژه خواهد بود و نه عکاس، نیز با صرف کمی وقت برای تکمیل آرشیو تصویری، منتج به منابعی دقیق، غنی و سهل الوصول از عکاسی در تبریز - و در آینده با نگاهی ایده‌آلیستی، در ایران - خواهد شد؛ مگر مکی باشد در اعتلای فرهنگ تصویری ایران زمین.

برای جلوگیری از گنگی و اشتباهات تاریخی، نیز تبدیل تاریخ‌های قمری به خورشیدی و یافتن معادل تاریخی سال‌های میلادی به خورشیدی، در قسمت پیوست، گاهشمار از دویست سال اخیر تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و در کنار آن بیان رخداد‌های عکسی ایران و جهان تهیه شد تا عصای دست باشد گفتنی است که حوادث ذکر شده از منابع مختلف هستند و چون بیم از صحت دقیق تاریخ‌ها می‌رفت، با وسواس تمام، حوادث و تاریخ‌های آنها با دایرة المعارف دکتر غلامحسین مصاحب و بخشی نیز با فرهنگ فارسی دکتر محمد معین تطبیق داده شدند تا اشتباهی صورت نپذیرد چون خوشبختانه یا متأسفانه سیاست و فرهنگ و هنر ما ایرانیان در هم آمیخته است، مطالعه تاریخ سیاسی ایران و به خصوص آذربایجان توانست که کمک شایانی در پیشبرد مطلب حاضر نماید پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه که بخش اعظم آن از داخل کتابخانه‌ها و بخش دیگری نیز مربوط به مصاحبه با اشخاص بود، نوبت به دیدن عکس‌ها رسید به مراکزی که به نوعی با آرشیو عکس در ارتباط بودند، مراجعه و تصاویری چند درباره عکسی در تبریز به دست آمد. با این وجود در داخل کتاب‌های مصور نیز به جستجو پرداخته و بخشی از تصاویر با عکس‌برداری از داخل کتب حاصل آمد متأسفانه چون در اکثر این کتاب‌ها اشاره‌ای به نام عکاس نشده بود، به همین دلیل در ذکر منبع عکس‌های مذکور، به ناچار تنها به نام کتاب بسنده شد.

در همان کتابخانه‌ها، نیز به موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، موزه کاخ گلستان، موزه مشروطه تبریز، مجموعه عکس‌های محمدعلی جدیدالاسلام که غنی‌ترین آرشیو عکس تبریز را دارد، آلبوم بازماندگان شخصیت‌های برجسته تاریخ معاصر تبریز و مجموعه عکس‌های دوستان و آشنایان و هر که گمان می‌رفت ممکن است عکسی در این خصوص داشته باشد، مراجعه شد؛ به این امید که چشم با دیدن عکس‌های جدید و متناسب دسته‌بندی انجام شده روشن گردد در نهایت، به دو صورت کپی‌برداری و یا خرید نسخه بدل، مقداری عکس مرتبط با تبریز به دست آمد.

اگر کتاب حاضر بتواند انگیزه‌ای برای ترغیب کسانی دیگر - هر چند اندک شمار - باشد تا به جست و جوی واقعیت‌ها و حقایق نهفته در دل تاریخ ایران برآیند و از قِبل آن، برخی تصاویر رو به فراموشی را بیابند و آن را در دسترس دیگران نیز قرار دهند، پاداش معنوی نیکویی برای نگارنده خواهد بود.

"عکاسی به روایت تبریز" با روش سوژه محور، در کمترین نگاه امیدوارانه، این نتیجه را خواهد داشت که در تاریخ تبریز دخل و تصرفی نمی‌توان کرد. باری تاریخ بدون عکس را می‌توان به راحتی قلب کرد.

www.ketab.ir